

نماز و نیاز (۲)

اوج بخشیدن به ارتباط با خدا

حفاظت از نماز

شما اگر چیزی با ارزش و قیمتی داشته باشید، حتما آنرا حفظ و حراست میکنید، کمتر کسی کیف پول یا اسناد و جواهرات خود را بی توجه رها میکند. در روابط با دیگران و مناسبات اجتماعی هم چنین است؛ به نسبتی که به مردم احتیاج داریم، سعی میکنیم روابط خود را با آنها بهتر حفظ کنیم. بخصوص اگر شخص مورد نظر از مقامات مهم و شخصیت های معروف و ذی نفوذ باشد، حتما تلاش میکنیم روابط نزدیکتری با آنها داشته باشیم و به گونه ای رفتار کنیم که به این ارتباط خدشه ای وارد نشود. اما گویی نیازی به حسن روابط با خالق خودمان و رب و رازق همه انسانها احساس نمیکنیم!

موضوع "حفاظت از صلاة" یعنی مراقبت و نگرهبانی از ارتباط با پروردگار که قرآن سه بار(۱)، در شرح اوصاف مومنین و مصلین، با ذکر جمله "آنها که بر رویکردشان بخدا حفاظت دارند" (وهم علی صلوتهم یحافظون) تکرار کرده است، دقیقا در همین راستا میباشد.

راستی چرا خداوند ما را به حفظ ارتباط با خودش توصیه کرده است؟ آیا احساس تنهایی میکند و نیازی به ایجاد ارتباط با بندگان دارد؟ بدیهی است که چنین نیست، همانطور که ما در معاشرت و دوستی با انسانهای بالاتر از خود چیزی یاد میگیریم و سطح فهم و دانش خود را بالا میبریم، در ارتباط با خدا نیز آموزش میگیریم و رشد میکنیم تا در ارتباط با انسانهای دیگر شایسته تر عمل کنیم.

بعنوان مثال نگاه کنید به آیات ۲۲۶ تا ۲۳۷ سوره بقره. این مجموعه آیات طولانی تماما درباره "طلاق" و احکام و آثار مربوط به آن است. در خاتمه این آیات، به گونه بظاهر بی ارتباطی، ناگهان موضوع "حفاظت از نماز" مطرح میشود و مبحث طلاق با این موضوع خاتمه می یابد. برخی از مفسرین بدلیل ناهمگونی ظاهری موضوعات طلاق و صلاة، چنین پنداشته و گفته اند؛ آیه مربوط به صلاة متعلق به محل دیگری بوده و جمع آوری کنندگان قرآن آنرا در اینجا قرار داده اند!! در حالیکه اگر در ریشه یا بی علت طلاق ها دقت کنیم، متوجه میشویم بیشتر آنها بدلیل اختلاف بر سر امور مادی و دور شدن از اخلاقیات است. پس حفاظت از صلاة میتواند تضمین کننده سلامت ازدواج و پاد زهر اختلافات منجر به طلاق باشد.

حافظوا على الصلوات و الصلوة الوسطى و قوموا لله قانتين

نگهدار نمازهای خود، بخصوص نماز میانه باشید و فروتنانه برای خدا بپاخیزید

مداومت بر نماز

حفاظت از نماز، مراقبت و مواظبت از ارتباط با آفریدگار است، این محافظت البته در شرایطی که حضور قلب داریم و ارتباطمان مثلا در ایامی همچون ماه رمضان برقرار است اشکالی ندارد. اما گاهی این رشته گسیخته میگردد، کارها و گرفتاریهای زندگی و اشتغالات بیش از حدی که برای خود ایجاد میکنیم، ما را موقتا از خدا جدا میکند و یاد او از دلمان دور میشود. "مداومت در نماز"، که قرآن از اوصاف "مصلین" شمرده، دقیقا به همین نکته اشاره دارد که رشته پیوند را همواره باید متصل نگه داشت. نه آنکه یکسره باید در حال نماز بود، بلکه ذکر خدا را و توجه به او را باید زنده نگه داشت (نگاه کنید به معارج ۲۲):

ان الانسان خلق هلوعا، اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخير منوعا الا المصلين الذين هم على صلاتهم دائمون
انسان کم ظرفیت آفریده شده است، همینکه مختصر سختی ببیند بی تابى میکند، چون به رفاه برسد، بخل می ورزد، مگر نمازگزارانی که بر نمازشان مداومت دارند.

مداومت در نماز نیز همچون حفاظت از آن، بنفع خودمان (نه خدا) است. چرا که در اتصال به منبع قدرت او و با توکل بر عزت اش، ظرفیت تحمل شدائد پیدا میکنیم. نه در برابر شرور جزع و فزع میکنیم و نه راحت و رفاه، ما را مست و مغرور میکند.

خشوع در نماز

وقتی در برابر یک مقام بسیار مهم علمی، دینی، فرهنگی قرار میگیرید، یا به ملاقات مقامات عالیرتبه مملکتی میروید، چه حالتی دارید؟ در اینگونه موارد همه حواس آدم متوجه و متمرکز به شخص مورد ملاقات است و از هر حرف و حرکت ناشایسته ای خودداری میکند. یا احترام به طرف مقابل، یا طمع و یا ترس از او، مانع میشود لحظه ای غفلت کنیم. ما که در برابر انسانهای همانند خود اینگونه خود را می بازیم و در برابر برخی فضیلت های نسبی و اعتباری آنها احساس خود کم بینی و حقارت میکنیم، چگونه است که وقتی به نماز می ایستیم، حواسمان به همه جا هست جز او؟ سر و دستمان حرکت میکند، چشم و گوشمان بجای دیگر است و دلمان دایما نوسان میکند؟!

مگر غیر از این است که مسئله شکایات نماز از اهم گرفتاریهای بسیاری از مردم و اساسی ترین سئوال آنها از فقیهان است؟ خدا پدر ژاپنی ها را بیامرزد که "مهر امین" را اختراع کردند و با ابزاری مکانیکی مشکل دفعات رکوع و سجود نماز ما را حل کردند!؟

با اینحال وقتی تلفن زنگ میزند، کسی در میزند، مهمانی سر میزند، با حرکات سر و دست به بیچه ها و اطرافیان حالی میکنیم چه بگویند، یا چه بکنند!! در ضمن اگر رادیو یا تلویزیون هم روشن باشد، یا کسانی مشغول گفتگو باشند، اشکالی ایجاد نمیکند. وقتی معنای نماز را نمیدانیم و کلماتی را روی عادت تکرار میکنیم، چه فرق میکند هنگام رانندگی با موبایل گفتگو کنیم و به رادیو گوش دهیم، یا هنگام نماز! در هر دو حال کارهائی را در اثر تکرار فراوان ناخودآگاه انجام میدهیم.

از زشت ترین کارها اینست که وسط صحبت دو نفر پابرهنه بدوید!! و حرف آنها را قطع کنید. اما اگر عجله دارید و میخواهید از خانه خارج شوید، اشکالی ندارد سفارشات لازمه را به همسرتان که در حال نماز است بکنید!؟ گوش کردن که نماز را باطل نمیکند، خدا هم که خودمانی است و گله نمیکند!

میگویند، عده ای به نماز ایستاده بودند، یکی از آنها ریش های خود را مرتب میکرد و حواسش همچنان به خود بود، پیامبر در حال گذر از آن جمع فرمود: "اگر دلش در نماز خاشع بود، اعضا و جوارحش نیز خاشع میشدند!!"

خشوع در نماز، سکوت و سر به زیر انداختن و تمرکز کامل در گفتگوی با خداست. تواضعی است که هم در بدن ظاهر میشود و اعضا و جوارح را به سکون میکشاند و هم قلب را تسخیر میکند و از توجه به غیر مانع میشود. و چنین است که در وصف ویژگیهای دهگانه مومنین، قرآن اولین صفت را خشوع در ارتباط با خالق شمرده است:

قد افلح المومنون، الذینهم فی صلاتهم خاشعون

مسلمان مومنان رستگار شدند، همانها که در نمازشان خاشع اند ...

"خشوع" نتیجه و محصول احساس کوچکی و خواری (تذلل) در برابر خداست، مادام که تکبر داشته باشیم و "خود" را در عظمت جهان هستی، در برابر میلیونها کهکشان، کسی بدانیم، نمیتوانیم احساس خشوع در نماز را درک کنیم.

همین است که حرمت مساجد را هم حفظ نمی کنیم، با حرف زدنیهای قبل و بعد از نماز درباره مسائل شخصی و منافع مادی، حواس دیگران را پرت میکنیم و نمیگذاریم در نماز یا دعا یا خلوت خویش تمرکز داشته باشند، نماز فرادای خویش را نیز چنان بلند میخوانیم که شخص تازه وارد بیگانه تعجب میکند اینها در این غوغا و قیل و قال چه میگویند و چگونه میفهمند؟!

بگذریم از لم دادن ها و دراز کشیدن ها و تکیه دادن های برای صرف چای و شربت و عزیزمه (اراده) و ولیمه (مهمانی) را (به تعبیر حضرت علی) با یکدیگر مخلوط کردن!

وقت شناسی در نماز

ما اگر قرار ملاقاتی با کسی گذاشته باشیم، بر حسب آنکه چقدر برای ما دارای ارزش و احترام باشد، سر وقت رسیدن اهمیت پیدا میکند. در مورد آدمهای خیلی مهم سعی میکنیم با ملاحظه ترافیک احتمالی و اتفاقات پیش بینی نشده، حداقل نیمساعتی زودتر سر قرار برسیم، اما اگر با کارگریا کارمند خود قرار گذاشته ایم، اشکالی ندارد، آنها صبر میکنند، جایی نمیروند، اصلاً چه عجله ای دارند؟!

نماز به صراحت قرآن فریضه ای "زمان دار" و تابع "وقت مشخص" است:

ان الصلوة کانت علی المومنین کتاباً موقوتاً (نساء ۱۰۳)

همانا نماز بر مومنین، نوشته ای (واجبی) "وقت دار" است

و بر خلاف روزه، که بدلیل بیماری و مسافرت میتوان آنرا به تعویق انداخت، نماز را در اوقات تعیین شده باید بجا آورد.

حال این سؤال مطرح است که نماز ظهر را عصر خواندن، دیر رفتن سر قرار نیست؟ و نماز عشاء را هنگام مغرب خواندن، زود رسیدن نیست؟! اسم نمازهای پنجگانه روی خودشان است؛ صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء. و گرنه میگفتند ۸ رکعت از ظهر تا عصر و ۷ رکعت از مغرب تا عشاء بخوانید!! اینطور نیست؟ ... میگویند سنی ها سر وقت میخوانند، ما شیعیان آزادیم؟! اما امام اول ما حضرت علی (ع) در نامه ای به استاندار خود در مصر، از این عقب و جلو انداختن های نماز نهی کرده است:

نماز را دقیقا در وقتی که برای آن مشخص شده است بخوان. نه اگر فراغت و بیکاری داری آنرا جلو بینداز (نماز عصر را ظهر خواندن) و نه بخاطر اشتغالات آنرا عقب بینداز (مغرب را هنگام عشاء خواندن) و بدان که همه کارهای تابع نماز تست (اگر در نمازها منظم و برنامه ریز بودی بقیه امورت هم نظم و نسق پیدا میکند).^(۲)

میگویند؛ حدیث و روایت داریم که دیده شده پیامبر هم در مواردی جمع بین دو نماز کرده اند، یعنی دو تا را با هم خوانده اند! باید پرسید در تمام عمر با برکت پیامبر چند بار و در چه شرایط اضطراری چنین استثنائی اتفاق افتاده است؟ و اگر روال عادی و سنت جاریه آنحضرت بر جدا خواندن بوده است، ما چرا همیشه با هم میخوانیم؟ البته اسلام دین سهل و آسان است و نخواستہ بر مومنین سخت بگیرد، وقتی مشکلات و محدودراتی پیش می آید، مجاز هستیم در محدوده زمانی تعیین شده کمی عقب و جلو کنیم، بشرط آنکه همیشه نباشد! کارمندی که گهگاهی با مختصر تاخیر به دلیل ترافیک و عوامل دیگر سرکار حاضر میشود، مورد اغماض قرار میگیرد. اما اگر هر روز دیر بیاید، مدیر موسسه بازخواستش میکند.

اوقات نمازهای پنجگانه را قرآن در آیات متعددی دقیقا روشن کرده است^(۳)، بر اساس همین آیات است که حضرت علی (ع) در فراز بخشنامه ماندی خطاب به فرمانداران شهرها (که در آن دوران امام جماعت نیز محسوب میشدند) در روزگاری که هنوز ساعت اختراع نشده بود، اوقات طبیعی نماز را اینچنین شرح میدهد^(۴)

نماز ظهر را تا زمانی با مردم بگزارید که سایه آفتاب به قدر جای خفتن بزی گردد (سایه خورشید مختصری از وسط بگردد). و نماز عصر را زمانی با ایشان بگزارید که آفتاب روشن و تابنده باشد و از روز آن قدر مانده باشد که در آن دو فرسنگ توان پیمود (حدود ۵/۲ ساعت به غروب مانده). و نماز مغرب را زمانی با آنها بگزارید که روزه دار، روزه میگذاید و حاجی روانه منا میگردد (دقیقا وقت افطار). و نماز عشاء را زمانی با ایشان بگزارید که شفق پنهان گردد تا ثلثی از شب بگذرد (حدود دو ساعت بعد از مغرب) و نماز صبح را زمانی با ایشان بگزارید که هر کس صورت دوستش را تواند دید (نه چندان تاریک نه چندان روشن، صبح سحر) ...

آن قرآن، اینهم کلام امام، دیگر چه سندی برای اصلاح زمان نماز لازم است؟

قرآن دوبار در مورد نماز تسهیلاتی قائل شده است؛ یکبار از کمیت آن کاسته، یکبار هم از کیفیت، یعنی شکل ظاهری آن، در هر دو مورد این کاهش، بخاطر انجام سروقت نماز بوده است:

۱- کوتاه کردن (قصر) طول نماز، در شرایطی که بیم حمله دشمن به صفوف مسلمین می‌رود. (۵) (کاستن از زمان نماز).

۲- در حال پیاده یا سواره خواندن نماز، اگر خوف دشمن وجود دارد. (۶)

از آنجائیکه جنگهای سابق چندان طولانی نبوده و بزودی سرنوشت غالب و مغلوب مشخص می‌شده است، با اینحال به رغم آنکه زمان ظهر تا عصر بسیار فراخ می‌باشد و امکان به تعویق انداختن وجود داشته، حرمت وقت نماز حفظ شده و اقامه آن در سروق، حتی در بحبوحه جنگ و به حالت پیاده نظام یا سواره نظام توصیه شده است!

می‌گویند امام حسین (ع) پس از اقامه نماز در نیمروز عاشورا، روانه میدان شدند و ساعاتی بعد به شهادت رسیدند، ظریفی می‌گفت، اگر نماز عصر را هم می‌خواندند بهتر بود! ... می‌گفت من ۱۷ رکعت را یکجا قره‌الی الله می‌خوانم، پرسیدم چگونه؟ گفت نماز ظهر را همراه عصر هنگام غروب می‌خوانم، بلافاصله آنرا به نماز مغرب و عشاء می‌چسبانم، نماز صبح را هم که همیشه قضا می‌شود، با نماز ظهر پیوند می‌دهم!! (۷)

نماز شکسته!

مطابق احکام رساله‌های عملی و عادت قدیمی، اکثریت مسلمانان به هنگام سفر، نمازهای چهار رکعتی خود را به دو رکعت که در اصطلاح، "نماز شکسته" گفته می‌شود تقلیل می‌دهند. حدّ سفر را فقیهان چهار فرسنگ تعیین کرده‌اند. گویا این مقدار در زمانهای گذشته مسافتی بوده است که کاروانهای تجارتنی و قافله‌های شتر و مسافری پیاده می‌توانستند در یکروز طی کنند و از آنجائیکه رفت و آمد از چنین سفری یکروز تمام را می‌گرفته، در عرف و قضاوت مردم "مسافرت" تلقی می‌شده است، طی طریق با پای پیاده در صحاری سوزان عربستان، یا سوار بر شتر یا کجاوه‌های کهنه در جاده‌های سنگلاخ و پر دست انداز، با آفتاب و خاک و خوراک ناچیز، یک ساعتش هم خستگی آور بوده است، بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد در سنت پیامبر چنین تخفیف و تسهیلی برای چنان سفرهای مشقت باری تجویز شده باشد. اما امروز شرایط بکلی متحول شده است، از یکطرف شهرها گسترده و بهم پیوسته شده‌اند و در مواردی فاصله دو محله و منطقه بیش از چهار فرسخ شده و اصطلاح "بلده کبیره" مطرح گشته است، و از طرف دیگر با تسهیلاتی که برای سفرها فراهم شده، میتوان در یکروز بجای چهار فرسخ، چهار قاره را! در حال خواب و استراحت در هواپیما طی کرد! ...

در چنین شرایطی آیا بازهم باید مهمترین فریضه دینی و عمیق ترین ارتباط با خالق را، بدون توجه به علت و فلسفه شکستن نماز در شرایط تاریخی و جغرافیائی ویژه آن، کوتاه کرد؟!

اما مسئله مهم این است که در قرآن به استثنای هنگامه جنگ، که بیم حمله دشمن به صفوف نماز گزاران وجود داشته، در هیچ موقعیت دیگری از کوتاه کردن نماز سخن نگفته است، در آن شرایط هم تصمیم را به اختیار مومنین گذاشته و فقط اطمینان داده است که اگر در صورت خطر، نماز را کوتاه کردید، گناهی بر شما نیست. (۸)

کسانیکه همچنان بر کوتاه کردن نماز در هنگام سفر، پافشاری میکنند، میگویند درست است که در قرآن به غیر از میدان جنگ، مجوزی برای شکستن نماز دیده نمیشود، اما به هر حال این سنت پیامبر است و مطابق آنچه نقل کرده اند، آن حضرت در سفر نماز را کوتاه می کرده است، مسلماً پیامبر مکرم اسلام کاری مغایر قرآن نکرده است، علاوه بر آن، توصیه موکد فرموده است: "هر آنچه از من نقل می شود، بر قرآن عرضه کنید، اگر موافق با آن بود به آن عمل کنید وگرنه رهاش سازید"، این تناقض ظاهری را چگونه میتوان توجیه کرد؟ ...

بنظر می رسد توجه به ماهیت سفرهای رسول خدا مشکل را حل کند. درست است که آن حضرت قبل از رسالت، بعضاً سفرهای تجارتي به شامات داشته است، ولی سفرهای حضرتش در دوران رسالت، هیچکدام خالی از خوف دشمن و به قصد تجارت یا سیاحت و استراحت نبوده است. پس اگر پیامبر هم در برخی سفرهای خود نماز را کوتاه خوانده اند، مطابق آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ سوره نساء باید بدلیل بیم از دشمن بوده باشد (والله اعلم).

بهر حال بهتر است بجای نقلیات تاریخی و توجیحات تعصب آمیز، مستقیماً به تدبر در آیاتیکه کاستن از کمیت یا کیفیت نماز در آنها مطرح شده است پردازیم:

الف - کوتاه کردن (قصر) طول نماز

آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ سوره نساء صریحاً اعلان میدارد در سفرهای نظامی که بیم حمله دشمنان میرود، گناهی بر شما نیست که از (طول) نماز کوتاه کنید (میتوانید نه آنکه باید بکنید!)، آنگاه شکل عملی چنین نمازی را که با امامت پیامبر برپا می شده با جزئیات دقیق به شرح ذیل بیان میکند:

هر گاه تو در میانشان باشی و بخواهی برای آنها نماز بپاداری، باید گروهی از آنها مسلح با تو به (نماز) ایستند؛ و چون سجده به پایان بردند، از پشت نگهبان شما باشند و گروهی دیگر که هنوز نماز به جای نیاورده اند، همراه تو به نماز ایستند؛ و باید وسایل دفاعی و سلاح خود را بگیرند، زیرا منکران دوست دارند شما از وسایل دفاعی و تجهیزات خود غافل شوید که ناگهان بر شما یورش آورند؛ و هرگاه از باران یا بیماری در رنج بودید، ایرادی بر شما نیست که سلاحهای خویش فروگذارید، ولی احتیاط را از دست ندهید که خدا برای منکران عذابی ذلت بار آماده کرده است.

هنگامیکه نماز را به پایان بردید، (در همه حال) ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، خدای را یاد کنید؛ و همین که آرامش یافتید (خطر دشمن برطرف گردید، مطابق معمول) به نماز ایستید؛ زیرا نماز برای مومنین وظیفه ای است زمان بندی شده (دارای وقت مشخص).

در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، حتی یکمورد هم دیده یا شنیده نشد که یکی از دو طرف به شیوه فوق نماز خوانده باشند!! چرا؟ ...

اگر مسلمانان عراقی ادعای اسلام ناب محمدی نداشتند؛ رزمندگان بسیجی و سپاهی ما که جنگ را نبرد حق و باطل میدانستند. پس چرا هیچکدام مطابق فرمان الهی که به صراحت و با جزئیات آشکار در آیه فوق تشریح شده است و مطابق سنت رسول مکرم اسلام هم است عمل نکردند؟ ... جز آنکه به وضوح میدانستند که شکل جنگها در عصر ما تحول یافته است؟ نه دشمنی به فاصله چند قدمی قرار گرفته، که به محض ایستادن به نماز حمله کند و نه شمشیر و سپری دیگر در کار است، میدانستند که جنگهای امروز از راه دور و با فشار روی دگمه آتش انجام میشود، بنابراین بجای تبعیت از شکل ظاهری حکم، از روح و محتوای باطنی و پیام هشدارآمیز آن که نباید از دشمن غافل شد پیروی کردند و درست هم همین بود! امروز "رادار" و شبکه های پیچیده اطلاع رسانی دیگر این وظیفه را عهده دار شده اند.

اینک این سؤال مطرح است؛ وقتی میشود شکل ظاهری یک حکم قطعی در قرآن و سنت را، به دلیل تغییر شرایط، نادیده گرفت و به پیام و محتوای آن عمل کرد، چگونه است که عده ای در موارد مشابه، از جمله نماز مسافر (۹)، همچنان از عادت های تاریخی تبعیت میکنند؟!

پیام اصلی آیه فوق، علاوه بر بیدار و هشیار بودن در نبرد، اقامه نمازِ سرِ وقت، تحت هر شرایطی، حتی خطر هجوم دشمن (با رعایت تدابیر امنیتی) میباشد.

ب- کاستن از کیفیت نماز

تنها طول نماز نیست که در جنگ تغییر میکند، شکل آن نیز از نظر جهت قبله، رکوع و سجود و نشستن و برخاستن هم دگرگون میشود. وقتی بیمی وجود داشته باشد، پیاده در حال حرکت یا سوار بر مرکب نیز میتوان نماز را پیا داشت. بدیهی است در این صورت آداب نماز عادی ساقط میشود و در دل با ایماء و اشاره رکوع و سجود میکنیم! کما آنکه بر حسب نقلیات تاریخی (۱۰)، پیامبر در جنگ احزاب با اشاره نماز خواندند و حضرت علی در بعضی از جنگها، نماز را با تسبیح و تکبیر و تهلیل (ذکر توحیدی: لا اله الا الله) بر پا میکردند (۱۱). از برخی امامان نیز روایت کرده اند که در شرایط نگرانی از خطر حیوان درنده نیز میتوان شکل ظاهری نماز را تغییر داد (۱۲). آیا امروز این حکم را با پویایی فقهی نمیتوان بسط داد؟

اینک شایسته است به آیات ۲۳۸ و ۲۳۹ سوره بقره که مشتمل بر چنان حکمی است نظری دقیق تر بیفکنیم:

محافظ همه نمازها، بخصوص نماز میانه باشید و خاضعانه برای خدا بپاخیزید و اگر (به دلیل جنگ یا خطر دیگر) ترس بر شما مستولی شد، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید، اما هنگامیکه امنیت خود را بازیافتید، (به شکل معمولی نماز برگردید و) خدا را یاد کنید همانگونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید، به شما تعلیم داد

ملاحظه می کنید در اینجا هم باز "الویت" به پا داشتن نماز سر وقت، تحت هر شرایطی، حتی با مختصر کردن شکل و قالب آن مطرح شده است. در حالیکه تمام تعلیمات و تلاش مبلغین ما روی ظواهر و آداب شکلی نماز است، نه محتوا و زمان آن. آنکه به حالت پیاده یا سواره در میدان جنگ در حال حرکت است، با قلبش کار قیام و قعود را می کند و روحش به رکوع و سجود می پردازد.

۱- انعام ۹۲- معارج ۴۳- مومنون ۹

۲- نهج البلاغه فصل ۵ نامه ۲۷ - صل الصلوة لوقتها الموقت لها، و لا تعجل وقتها لفراغ و لا تؤخرها عن وقتها

لاشتغال و اعلم ان کل شیء من عملک تبع لصلاتک

۳- هود ۱۱۴ - اسراء ۷۸ - آل عمران ۴۱ - طه ۱۳۰ - ق ۳۹ و ۴۰ - طور ۴۸ و ۴۹

۴- نهج البلاغه فصل ۵ نامه ۵۲

۵- سوره نساء آیه ۱۰۱ تا ۱۰۳ (واذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوٰة ...)

۶- سوره بقره آیه ۲۳۹ (فان خفتم فرجالا او رکبانا ...)

۷- از جمله دعاها و درخواست های امام سجاد (ع) برای توفیق در ماه رمضان، یکی هم واقف شدن به میقات های پنجگانه نماز بوده است در همان اوقات تعیین شده (اللهم ... وقفنا فیه مواعیت الصلوات الخمس ... و اوقاتہا التی وقت □) صحیفه سجادیه دعای ۴۳ هنگام ورود به ماه رمضان

۸- نساء ۱۰۱ - ...فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوٰة ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا ...

۹- امروز بیشتر مسلمانان در سفرهای تفریحی یا کاری، نماز خود را میسکنند، در حالیکه مسئله "سفر" در زمان رسول خدا، ماموریت های نظامی و نبردهای سخت بوده است و در شرایط جغرافیائی و آب و هوای سوزان عربستان کسی برای سفر تفریحی تعطیلات آخر هفته!! از شهر خارج نمیشده است.

۱۰- ۱۱- نورالثقلین ج ۱ ص ۲۳۹ حدیث ۹۴۹ و ذیل آن

۱۲- وسائل الشیعه ج ۵ ص ۴۸۳ باب ۳ حدیث ۳ (با تلخیص و نقل به معنی)